

۱۴۴۸.۲
۹۹/۴/۲۸

بررسی گویش گزبرخوار

دکتر محمد مهدی اسماعیلی

استاد، دانشیار آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

بررسی گویش گز بُرخوار

مؤلف: محمدمهدی اسماعیلی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناظر غاپ: مجید اسماعیلی زارع

پاپ اول: ۱۳۹۵

شماره ۵۰۰ نسخه

چاپ - - - - - : تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: اسماعیلی، محمدمهدی، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: بررسی گویش گز بُرخوار / محمدمهدی اسماعیلی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: جدول.

شابک: 978-964-426-896-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۳ - ۱۸۴.

موضوع: گزی

موضوع: Gazi dialect

موضوع: زبان‌های ایرانی - گویش‌ها

موضوع: Iranian languages - Dialects

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۵۴۱/۳۲۷۶ PIR

رده بندی دیویی: ۹۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۴۳۱۲۸

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۱	۱- مبانی جغرافیایی گز بر خوار
۱۲	۲- سابقه تاریخ گز بر خوار
۱۳	۳- بزرگان و شاهباز گز بر خوار
۱۴	۴- گویش گزی و پیشینه مطالعاتی آن
۱۷	فصل اول: نظام وابسته
۱۷	۱-۱- همخوان‌ها
۱۹	۲-۱- واکه‌ها
۲۰	۳-۱- واکه‌های مرکب آوایی
۲۱	۴-۱- ساختمان هجا و خوشه‌های هجائی
۲۱	۵-۱- تکیه
۲۳	فصل دوم: واج‌شناسی در زمانی
۲۳	۱-۲- مقدمه
۲۵	۲-۲- تغییرات همخوان‌ها
۲۵	۱-۲-۲- تضعیف لبی‌ها
۲۶	۲-۲-۲- تضعیف تیغه‌ای‌ها
۲۷	۳-۲-۲- تضعیف ملازی‌ها
۲۸	۴-۲-۲- تضعیف چاکنایی‌ها
۲۹	۵-۲-۲- تقویت
۲۹	۶-۲-۲- قلب
۲۹	۳-۲- تغییرات واکه‌ها
۲۹	۱-۳-۲- پیشین‌شدگی واکه‌های پسین
۳۰	۲-۳-۲- گردشدگی واکه‌های پیشین
۳۰	۳-۳-۲- افراشتگی واکه‌های باز

۳۳	فصل سوم: صرف
۳۳	۳-۱- اسم
۳۳	۳-۱-۱- شمار
۳۳	۳-۱-۲- معرفگی
۳۴	۳-۲- صفت بیانی
۳۴	۳-۳- ضمیر
۳۴	۳-۳-۱- ضمائر شخصی
۳۵	۳-۳-۲- ضمائر پی‌بستی
۳۶	۳-۳-۳- ضمائر اشاره
۳۶	۳-۳-۴- ضمیر مشترک
۳۷	۳-۳-۵- ضمیر سوال
۳۷	۳-۳-۶- ضمائر مبالغه
۳۷	۳-۴- پرسشواژه‌ها
۳۸	۳-۵- قید
۳۸	۳-۶- عدد
۳۸	۳-۶-۱- اعداد اصلی
۴۰	۳-۶-۲- اعداد ترتیبی
۴۰	۳-۶-۳- اعداد کسری
۴۰	۳-۶-۴- اعداد توزیعی
۴۰	۳-۷- حروف اضافه
۴۲	۳-۸- حروف ربط
۴۲	۳-۹- فعل
۴۲	۳-۹-۱- ماده‌های فعل
۴۶	۳-۹-۲- صفت مفعولی
۴۷	۳-۹-۳- شناسه‌های فعل
۴۹	۳-۹-۴- پسوند نمود ناقص
۴۹	۳-۹-۵- پیش‌فعل
۵۰	۳-۹-۶- وند نفی و نهی
۵۱	۳-۹-۷- ساخت‌های مبتنی بر ماده مضارع
۵۱	۳-۹-۷-۱- مضارع استمراری (اخباری) و آینده
۵۲	۳-۹-۷-۲- مضارع التزامی

۵۳	 امری ۳-۷-۹-۳
۵۴	 ساخت‌های مبتنی بر مادهٔ ماضی ۸-۹-۳
۵۴	 ماضی ساده ۱-۸-۹-۳
۵۶	 ماضی استمراری ۲-۸-۹-۳
۵۹	 ماضی نقلی ۳-۸-۹-۳
۶۱	 ماضی بعید ۴-۸-۹-۳
۶۲	 ماضی التزامی ۵-۸-۹-۳
۶۲	 ماضی بعید نقلی (ابعد) ۶-۸-۹-۳
۶۴	 ماضی مستمر ۸-۹-۳
۶۴	 ماضی استمراری نقلی و ماضی مستمر نقلی ۱-۸-۹-۳
۶۶	 فعل ۹-۹-۳
۶۷	 فعل دو وجهی ۱۰-۹-۳
۶۸	 فعل سه وجهی ۱۱-۹-۳
۶۹	 مصدر ۱۲-۹-۳
۷۰	 افعال کمکی ۱۳-۹-۳
۷۶	 افعال وجهی ۱۴-۹-۳
۷۶	 توانستن ۱-۱۴-۹-۳
۷۷	 بایستن ۲-۱۴-۹-۳
۷۹	 خواستن ۳-۱۴-۹-۳
۸۰	 افعال دارای تصریف خاص ۱۵-۹-۳
۸۰	 دانستن ۱-۱۵-۹-۳
۸۲	 دوست داشتن ۲-۱۵-۹-۳
۸۳	 قرار داشتن ۳-۱۵-۹-۳
۸۴	 اشتقاق ۱۰-۳
۸۴	 پیشوندهای اشتقاقی فعل ۱-۱۰-۳
۹۰	 پیشوندهای غیرفعلی ۲-۱۰-۳
۹۰	 پسوندهای غیرفعلی ۳-۱۰-۳
۹۱	 ترکیب ۱۱-۳
۹۱	 فعل مرکب ۱-۱۱-۳
۹۳	 واژه‌های مرکب (غیرفعلی) ۲-۱۱-۳
۹۵	 فصل چهارم: نحو

۹۵	۱-۴- مقدمه
۹۶	۲-۴- نقش فاعلی
۹۹	۳-۴- نقش مفعول مستقیم
۱۰۱	۴-۴- نقش مفعول غیرمستقیم
۱۰۵	یک متن و تعدادی جمله
۱۲۱	فهرست افعال ساده و پیشوندی
۱۳۱	واژه‌نامه گزی به فارسی
۱۵۹	واژه‌نامه فارسی به گزی
۱۸۳	کتابنامه

مقدمه

۱- موقعیت جغرافیایی گز بُرخوار

شهر گز با جمعیت ۲۱۹۱۱ نفر (طبق سرشماری ۱۳۹۰) در ۱۸ کیلومتری شمال شهر اصفهان و در کمره شرقی اتوبان اصفهان به تهران واقع شده است. این شهر طبق تقسیمات جدید کشوری جزء بخش مرکزی شهرستان شاهین شهر و میمه محسوب می گردد؛ ولی از لحاظ تاریخی همواره جزئی از منطقه «بُرخوار» بوده و به همین جهت به «گز بُرخوار» معروف است.

منطقه بُرخوار که در تداول «انبار» میده می شود، دشتی است وسیع که از سمت جنوب به شهر اصفهان، از شمال و شمال غربی به نطنز و میمه، از مشرق به اردستان و از طرف مغرب به نجف آباد محدود می گردد. دشت بُرخوار که در منابع قدیمی از آن به عنوان نخستین منزلگاه بین اصفهان و قم و کاشان و ری نام برده اند؛ دارای آب و هوایی نیمه صحرایی، گرم و خشک در تابستان؛ و سرد و خشک در زمستان است. به علت خشکسالی های اخیر و در نتیجه پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی، منطقه دچار کم آبی گردیده؛ و بیشتر قنات ها و چاه های آن خشک شده است. همچنین از طرف مشرق، بیم پیشروی کویر اردستان به قسمت بزرگی از این منطقه وجود دارد. به علت دوری از زاینده رود و نداشتن رودخانه دائمی، چاه های آن عمیق و آب چاه ها نیز شور است.

دیگر شهرها و روستاهای منطقه بُرخوار عبارت اند از: شاهین شهر (مرکز شهرستان شاهین شهر و میمه)، دولت آباد (مرکز شهرستان تازه تأسیس بُرخوار)، خورزوق (در تداول خرزوک)، دستگرد، سین، مگرگاب، شاپور آباد، حبیب آباد و

کمشیچه.

کشاورزی شهر گز در گذشته معروف بوده و وجود قنوات متعدد در منطقه نشان‌دهنده سابقه طولانی و پرتحرک مردم در امر کشاورزی است. ولی کاهش بارندگی و خشک شدن قنات‌ها در سال‌های اخیر، باعث پایین آمدن سطح زیر کشت و روی آوردن کشاورزان به شهرها و نیز تغییر شغل آنها شده است. محصولات عمده کشاورزی این منطقه علاوه بر گندم و جو، ذرت، چغندر قند، دانه‌های روغنی و صیفی‌جات (به ویژه خربزه) را نیز شامل می‌شود. از محصولات درختی می‌توان از پسته و انگور نام برد. عمده صنایع دستی و سنتی آن را قالی‌بافی، گل‌بافی، سنجری، سلاجی، رنگرزی و صابون‌پزی تشکیل می‌دهد که از اهمیت خاصی برخوردار است. صنایع کارگاهی گز عمدتاً صنایع تولید مصالح ساختمانی، شامل کوره‌های آجرپزی و راجدهای سنگبری است (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وشش؛ سجادی حنی ۱۳۸۱: ۷-۸).

۲- سابقه تاریخی گز بُرخوار

گز که در برخی منابع قدیمی با اماری «جَز» از آن نام برده شده، از شهرهای قدیمی منطقه برخوار است که احتمالاً سال‌ها پیش از اسلام نیز می‌رسد. بافت این شهر قدیمی بوده، هر چند در سال‌های اخیر تغییراتی یافته و سبک معماری جدید در آن متداول شده است.

اولین اشاره به گز مربوط به کتاب «معجم البلدان» (مقرئ حموی (قرن ۷ هجری) است. حمدالله مستوفی (قرن ۸ هجری) نیز در کتاب «سزهة القلوب» از آن به عنوان بزرگ‌ترین روستای منطقه برخوار نام برده و چنین نوشته است: «بهمن بن اسفندیار در این ده آتشکده‌ای ساخته است» (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وشش؛ یوسف‌نژاد ۲۰۰۰: ۳۴۷). همچنین شاه طهماسب دوم صفوی در سال ۱۱۴۲ هجری (۱۷۲۹-۱۷۳۰ میلادی) در این روستا نمایندگان کمپانی هند شرقی را ملاقات کرده است (یوسف‌نژاد ۲۰۰۰: ۳۴۷). پس از فتح شهر اصفهان در جریان حمله افغان‌ها به سرکردگی محمود افغان در سال ۱۱۳۵

هجری، گز در ابتدا به دلیل وجود برج و باروی مستحکم در برابر افغان‌ها مقاومت کرد؛ ولی پس از مدتی با ورود سپاه جدیدی از افغان‌ها به رهبری زبردست‌خان از طریق قنوات و آبروهای زیرزمینی، تسخیر شد (همان: ۳۴۸؛ سجادی جزئی ۱۳۸۱: ۱۷۸).

از اماکن تاریخی و مذهبی این شهر، می‌توان از مسجد جامع گز نام برد که قدمت آن به عهد سلجوقی می‌رسد و گویا در محل یک آتشکده قدیمی بنا شده است (ه.فر ۱۳۷۲: ۱۱۰). مسجد جامع گز چهار ایوان دارد که به سبب تجدید بنا و خلل در تصرف‌های دوران صفویه، ویژگی‌های دیرین و قدیمی خود را از دست داده، ولی هنوز آجر و محراب آن مربوط به دوره سلجوقی است. قسمتی از مناره آن به دوره رمان خراب شده و کتیبه‌ای که سال ساختمان آن را به دست می‌دهد نیز باقی نمانده است (همانجا).

به دلیل عبور جاده قدیم از تهران به تهران از کنار گز، در زمان صفویه در کنار این جاده کاروانسرای بنا گردید که به کاروانسرای شاه‌عباسی معروف است. این کاروانسرا که اولین کاروانسراست در اسفهان به سوی تهران است، امروز ویران و متروک شده است. گز در گذشته دارای برج باره‌ای بزرگی بود که اکنون از بین رفته است و فقط قسمت‌هایی از آن در گوشه و کنار چشم می‌خورد (همانجا؛ محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست‌وهفت).

وجه تسمیه «گز» دقیقاً مشخص نیست؛ اگرچه به نظر برخی نام این شهر احتمالاً از گیاه گز گرفته شده است. درباره وجه اشتقاق «رَحَر» نیز، جناب (۱۳۷۱: ۱۹۴) چنین نوشته است: «بَل خوار بوده است که بَل صورت تغییر یافته پُر [به معنی بسیار باشد و خوار، خار و تیغ است].»

۳- بزرگان و مشاهیر گز بُرخوار

درویش عباس گزی (۱۲۶۴-۱۳۲۳ هجری) متخلص به «جَزی» از شعرای عهد قاجار است که دیوان شعری به نام «ارشاد الولد» به گویش گزی دارد. این دیوان شامل ده هزار بیت است که در مضامین عرفانی، موعظه، وصف طبیعت، مدح،

هجو و هزل سروده شده است. هدف درویش عباس از سرودن این اشعار به گفته خودش، آگاه کردن فرزنداناش بوده و از این رو، کتاب خود را «ارشاد الولد» نامیده است. از این کتاب، دونسخه خطی موجود است (محمدی و دیگران ۱۳۷۱: بیست و یک-بیست و سه).

از دیگر مشاهیر گز برخوار، می‌توان از آیت‌الله آقا شیخ عبدالکریم گزی معروف به آیت‌الله گزی (متوفی به سال ۱۳۳۹ هجری) نام برد. وی در مدرسه کاسه‌گران اصفهان مشغول تحصیل و تدریس بوده و دارای تألیفاتی است از آن جمله کتاب «تذکره القبور» و دیگری رساله «عقود و ایقاعات» که در سال ۱۳۳۵ هجری نالف شده است (همان: بیست و هشت).

۴- گویش گزی و پیشینه مطالعاتی آن

گویش گزی (به گویش محلی «زون گزی» /ozun gezi/) از گویش‌های مرکزی ایران محسوب می‌شود و در گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار دارد. این گویش با دیگر گویش‌های منطقه اصفهان از جمله گویش کلیمیان اصفهان، خورزوقی و سدهی وجه تشابه بسیار دارد. به همین دلیل محققان خارجی این گویش‌ها را در دسته‌ای کوچکتر از گویش‌ها، یعنی گزی ایران به نام جنوب غربی قرار داده‌اند.

گویش‌های مرکزی در گذشته در سراسر منطقه اصفهان و حتی شهر اصفهان رایج بوده‌اند. ولی ظاهراً از زمان صفویه و با بسط و گسترش زبان فارسی در شهر و مناطق اطراف، به تدریج این گویش‌ها رو به زوال رفتند که این موضوع کماکان نیز ادامه دارد (تفضلی ۱۳۵۰: ۸۷).

در منطقه برخوار غیر از گز، در دو نقطه دیگر یعنی شهر خورزوق (به گویش محل /xorzuk/) و روستای کُم‌شیجه (در گویش محل /kumše/)، گونه‌ای گویشی از مجموعه گویش‌های مرکزی هنوز اندک رواجی دارد. گونه رایج در خورزوق به خاطر فاصله بسیار کم دو شهر گز و خورزوق (حدود ده کیلومتر)، به گویش گزی بسیار شبیه است. دیگر روستاهای منطقه برخوار همگی فارسی‌زبان‌اند.

گزی به واسطه وجود دیوان درویش عباس گزی از محدود گویش‌های ایرانی است که از آن اثر مکتوبی به جای مانده است. بررسی زبان به کار رفته در دیوان درویش عباس گزی نشان‌دهنده آن است که این گویش در طول بیش از یکصد سال گذشته، دستخوش تغییراتی شده است. برای مثال، برخی از واژه‌هایی که در دیوان درویش عباس به کار رفته، یا منسوخ شده‌اند و یا تغییر تلفظی یافته‌اند. واژه‌هایی مانند نمونه‌های زیر امروزه دیگر اصلاً به کار نمی‌روند: <خوچش> /xočeš/ «خودش»، <خوچت> /xočet/ «خودت»، <شان‌ووان> /šānnovān/ «گفتگو»، <ت‌وآمد، معاشرت>، <وَحَسَو> /vahsow/ «بی‌تابی کردن»، <وَسَامُون> /vessamun/ «سمن» و <فَلِقْنَامُون> /feleqnāmūn/ «بلعیدن و قورت دادن» (محمدی و دیگران: ۱۳۷۱: نوزده).

از دیگر تغییرات، آوایی چشم‌گیر می‌توان به حذف همخوان پایانی ماده مضارع فعل «گفتن» یعنی /-vâž-/ و حذف سایشی چاکنایی از آغاز برخی کلمات اشاره کرد. بر این اساس واژه‌هایی مانند /bevâže/ «بگویی»، /vâžiye/ «می‌گویی»، /hete/ «پده»، /hu/ «هست»، /nehu/ «نیست» و /hamun/ «هنوز» امروزه به ترتیب به صورت /-vâiye/، /beva-/، /vâiye/، /vâiye/، /vâiye/ و /amun/ تلفظ می‌شوند. یکی دیگر از این تغییرات، تغییر تلفظی ضمائر پی‌بستی است. به عنوان مثال ضمائر پی‌بستی دوم و سوم شخص مفرد که در دیوان درویش عباس به صورت /-ot/ و /-oš/ به کار رفته‌اند، به /-âž/ و /-âž/ تبدیل شده‌اند؛ به طوری که کلماتی مانند /gam-ot/ «گمت»، /gam-oš/ «غمش»، امروزه /gam-âd/ و /gam-âž/ تلفظ می‌شوند. این تغییرات باعث سنگینی و غرابت زبان اشعار دیوان، حتی برای گویشوران شده است (همانجا).

گویش گزی به سبب وجود دیوان شعر درویش عباس گزی و داشتن ادبیات مکتوب، از جمله گویش‌هایی است که توجه را به خود جلب کرده و تحقیقاتی توسط محققین خارجی و ایرانی بر روی آن انجام گرفته است.

کتاب ژوکفسکی (۱۹۲۲) قدیمی‌ترین اثر درباره این گویش است. این اثر که نتیجه سفر این محقق روس به ایران در دهه ۱۸۸۰ میلادی است؛ شامل چندین

جمله، متن و واژه‌نامه به گویش گزی است. حجم زیادی از واژه‌نامه را در واقع صورت‌های صرف‌شدهٔ افعال به خود اختصاص داده است.

کتاب محقق آلمانی آلپرس (۱۹۷۹) اثری است جامع و قابل اعتنا. این کتاب دو جلدی شامل دستور زبان، چندین متن بزرگ و کوچک، ترجمهٔ آلمانی متون و واژه‌نامه (با توضیحات و ریشه‌شناسی) است. در پیوست آن نیز نسخهٔ عکسی دیوان درویش عباس دیده می‌شود.

کتاب محمدی و دیگران (۱۳۷۱)، منتخب و گزیده‌ای (۲۳۶ غزل) از غزلیات دیوان درویش عباس گزی است. در پایان هر غزل برخی واژه‌ها معنی و توضیحاتی داده شده است.

پایان‌نام فاضل (۱۳۷۴) دیگر کار انجام گرفته بر روی این گویش است که برخی ویژگی‌های دستوری این گویش را با شواهدی از اشعار درویش عباس ارائه کرده است.

اثر حاضر نتیجهٔ تحقیقی میدانی است که کار گردآوری مواد گویشی آن در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ انجام گرفت. تصفیق تکمیلی دیگری نیز برای رفع برخی ابهامات در تابستان سال ۱۳۸۱ به انجام رسید. در این تحقیق عمدتاً از چهار گویشور منطقه کمک گرفته شد که عبارتند از: آتابان رمضان‌علی ناظریان (متولد ۱۳۲۴)، نانوا، فقط دارای سواد خواندن؛ احمد، فاضل (متولد ۱۳۳۸)، عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین؛ مسلم هادیان (متولد ۱۳۳۰)، بقال، بی‌سواد؛ و مهدی علی هادیان (متولد ۱۳۹۸)، بقال، بی‌سواد.